

نقد و بررسی مفهوم شهادت (خط سرخ) و انتظار (خط سبز) در رباعیات دهه هشتاد

منصور نیک پناه^۱

چکیده

نگرش امیدوارانه به آینده در تمدن‌های جاودان دنیا، اصلی مهم تلقی می‌شود. در مکتب اسلام نیز این نظریه از ابتدا به عنوان اصل پذیرفته شده است. از آن جا که ادبیات و شعر فارسی گنجینه فرهنگ و ارزش‌های این سرزمین هستند، چنین دیدگاهی را در خود منعکس کرده‌اند. این مقاله بر آن است تا با بررسی رباعیات دهه هشتاد که مفاهیم انقلاب و جنگ به کمال در آن‌ها به پختگی رسیده‌اند، نگرش به آینده را با مفاهیم و مضامین آخرالزمانی بررسی کند. برای رسیدن به این هدف، سروده‌های رباعی سرایان معروف که در این دهه به سرایش اشعار پرداخته‌اند، بررسی و تحلیل می‌شود. با بررسی‌های انجام شده مشخص گردید که موضوع کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام به عنوان محرک این انقلاب، بلکه جهان تشیع و ظهور امام عصر علیه السلام و تلاش برای بسترسازی ظهور به عنوان چشم‌انداز امید آفرین از بن‌مایه‌های پر بسامد رباعیات این دوره تلقی می‌شوند. این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است.

واژگان کلیدی: رباعی، دهه هشتاد، عاشورا، ظهور، شهادت، انتظار.

۱. مقدمه

«ادبیات» ملت‌های مختلف، گنجینه ارزش‌ها و باورهای هر قوم را در خود ذخیره کرده است. ادبیات و شعر فارسی با توجه به گستردگی، عمق و تأثیرگذاری، جایگاه شاخص به نسبت سایر زبان‌ها دارد و البته نگرش ایرانیان نیز به شعر از بار ارزشی برخوردار است. استدلال سخنوران به بیت و ابیات شعری، گاه جانشین ده‌ها عبارت منثور و سخنان مطول و مفصل می‌گردد. رباعی از آن دست قالب‌هایی است که از ابتدای رواج شعر فارسی چهره نشان داده و در هیچ دوره‌ای از ادوار ادبیات، ضعف و فتور اساسی به آن وارد نشده است؛ اما در دوره معاصر با توجه به کوتاهی و سریع بودن این قالب و استقبال عامه مردم از سخنان کوتاه و مختصر، بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته است. درونمایه عمومی رباعیات در سیر تاریخی ادب فارسی همواره بار ارزشی و حکمی داشته است. از همین رو، اکثر شاعران فاخر و ارزشمند زبان فارسی رباعی هم سروده‌اند. نشان این قالب را در اشعار سعدی، حافظ، مولوی، سنایی، عطار و شاعران دیگر، به خوبی می‌توان ملاحظه کرد و البته شعرایی هم داریم که صرفاً در همین قالب طبع آزمایی کرده‌اند. رباعی معاصر، به ویژه رباعیاتی که در دهه هشتاد سروده شده‌اند نیز بار معنایی و فرهنگی خود را نشان داده‌اند؛ از جمله این درونمایه‌های ارزشمند دو مقوله کربلا و ظهور است.

نهضت عاشورا به‌رغم این‌که در مقطع کوتاه و با کمیت پایین افراد دخیل در آن به نسبت بسیاری از حوادث تاریخی به انجام رسیده است؛ اما در کلیه ارکان جامعه بشری تأثیر شگفت و شگرفی داشته است که نه تنها مسلمانان را تحت تأثیر قرار داده، بلکه جهانی را متوجه خود کرده است. این تأثیرگذاری با وجود گذشت زمان نه تنها کم‌تر نشده است، بلکه هر چه از تاریخ وقوع آن بیش‌تر فاصله می‌گیریم، ابعاد و زاویای جدیدی به خود می‌گیرد که برای پیروان و معتقدان به این نهضت، انگیزش و محرک‌های جدید عرضه و برای منکران و معاندان نظام اسلامی دغدغه و التهاب تازه به تازه ایجاد می‌کند.

حضرت سیدالشهدا به حق مظهر ایثار و استقامت می‌باشند که هرگز به ذلت و خواری تن نداد و این خود موجب جاودانگی او و مکتب وی گردید. شاعران و نویسندگان از قدیم‌ترین زمان تا عصر حاضر درباره سالار شهیدان، حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) اشعاری سروده‌اند که بازگوکننده احساس و اندیشه آن‌ها می‌باشد. آنان با سروده‌هایشان عظمت و بزرگی نهضت حضرت را مورد توجه قرار دادند. «نخستین مرثیه‌های جانگداز کربلا را خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) و ام البنین، مادر حضرت ابوالفضل با چشمانی اشکبار و تافته از غم سرودند»^۱.

از طرف دیگر، یکی از محوری‌ترین و بنیادی‌ترین اندیشه‌های مکتب اسلام، اعتقاد به ظهور منجی آخر الزمان است که تمام فرقه‌ها و نحله‌ها، اعم از اسلامی و غیر آن به گونه‌ای به آن عقیده دارند. این اعتقاد به رغم تأخیر در بروز، از منظر پایه‌ریزی بر هر اندیشه دیگری تقدم دارد؛ به گونه‌ای که در اسلام از زمان بعثت پیامبر عظیم‌الشان سنگ بنای آن نهاده شد. در اسلام، عقیده به مهدویت و ظهور منجی، کانون مشترکی است که حتی فرقه‌های افراطی به آن ورود پیدا کرده، به اظهار نظر پرداخته‌اند. مهدویت آن قدر در جامعه اسلامی مورد عنایت واقع شده که در احادیث متواتر و مکرر روایت گردیده است.

این تأکیدات به مذهب و گرایشی خاص محدود نیست.^۲ در این مقاله با توجه به این دو محور کلیدی اسلام که به عنوان «خط سبز» و «خط سرخ» از آن یاد می‌شود، به بررسی رباعیات متاخر زبان فارسی می‌پردازیم و بازتاب این دست سروده‌ها را در شاعران دهه هشتاد ادب فارسی که نسل بعد از انقلاب اسلامی است، بررسی می‌کنیم.

رباعی همواره از قالب‌های شعری مورد توجه ایرانیان بوده و در هیچ دوره‌ای از شعر فارسی قالب رباعی به طور کامل محو نشده است. این قالب، بنا به تحولات سیاسی، اجتماعی و مذهبی، وضعیت مختلفی به خود پذیرفته است. این مضامین رباعیات عمدتاً حول محور مباحث فلسفی، عارفانه و عاشقانه دور می‌زند. با بروز انقلاب اسلامی ایران و در پی آن، جنگ

۱. احمدی بیرجندی، انسان دوستی در اسلام، ص ۱۴.

۲. میانجی، انتظار، ص ۶۴-۶۳.

تحمیلی، برخی از درونمایه‌های جدید وارد عرصه شعر فارسی گردید. از مهم‌ترین این درونمایه‌ها، مضمون شهادت و عاشورا و همچنین انتظار و ظهور است که در ایجاد روحیه آزادی خواهی و غرور ملی و مذهبی و از طرفی ایجاد فضای امید و نشاط تأثیر گذار است. بر همین اساس است که موشه یلعون،^۱ وزیر دفاع سابق رژیم صهیونیستی چنین اظهار نظر کرده است: «ایران مذهبی و مهدی باور از داعش بسیار خطرناک‌تر است و اولویت اول آمریکا و اسرائیل، باید ایران باشد.»^۲ از طرف دیگر، با عنایت به گستردگی برنامه‌ها و سرگرمی‌ها در عصر جدید و رجوع کاربران به قالب‌های فشرده و کوتاه، قالب رباعی در شعر مورد نظر قرار می‌گیرد؛ لیکن این که آیا مضمون شهادت و انتظار در رباعی مورد توجه شعرا قرار گرفته، از مواردی است که در این مقاله مورد مطالعه قرار می‌گیرد. با بررسی و نقد وضعیت رباعی و بازتاب مضامین مذکور، شور شعر و عمق آگاهی رباعی سرایان را برای مبارزه با دسیسه‌های مستکبران متوجه می‌شویم. لذا رباعی سرایان، به ادای وظیفه خود در این باب پرداخته‌اند.

۱-۱. سیر رباعی در دوران معاصر

دوره‌های سیر رباعی در ادامه جدول زیر دیده می‌شود:

دوره اول: قرون سوم تا پنجم؛ شاعران: ابوسعید ابوالخیر و عبدالله انصاری، رویکرد رباعی: عشق و مدح؛
دوره دوم: قرون ششم و هفتم؛ شاعران: سنایی، خیام، عطار و مولوی، رویکرد رباعی: فلسفه، عرفان، عشق؛

دوره سوم: قرون هشتم و نهم؛ شاعران: حافظ، جامی، سلمان، اهلای و فدایی، رویکرد رباعی: اندیشه‌های خیام و صوفیانه؛

دوره چهارم: قرون ده - دوازده؛ شاعران: بیدل، رضی، طالب و سحابی، رویکرد رباعی: خلق معانی تازه؛
دوره پنجم: قرون دوازده - چهارده؛ شاعران: هاتف، آذر و صباحی، رویکرد رباعی: اندیشه‌ها و تصاویر تکراری؛

* Moshe Ya'alon

۲. یلعون، <http://www.latimes.com>

دوره نیمایی: دهه سی تا هفتاد، شاعران: نیما، کسرابی، اوجی و امین پور، رویکرد رباعی: عشق عارفانه، فرهنگ شیعی؛

دوره معاصر: دهه هفتاد و هشتاد، شاعران: جلیل صفر بیگی و بیژن ارژن، رویکرد رباعی: زندگی روزمره مردم.^۱

در سیر شعر هر دوره، «رخدادهای اجتماعی» بر جریان شعر تأثیر به سزایی دارد. تفاوت شعر این دوره (اشعاری که در دهه هشتاد سروده شده‌اند) با اعصار دیگر، در نحوه نگرش شاعر به اجتماع است. «رشد روزافزون جمعیت، مشکلات شهری و بی‌عاطفگی، جذابیت پول و بورژوازی، فن آوری و مدرنیته و تبعات آن بخشی از مسائل این اجتماع است».^۲ «نرخ بیکاری و مشکلات اقتصادی بخشی دیگری از این مشکلات است».^۳ تغییرات سریع ناشی از صنعت و تکنولوژی روی دیگر تغییرات است. «زندگی روزانه افراد به وسیله تغییرات صنعت گرایی تحت تأثیر قرار می‌گیرد»؛^۴ «تکنولوژی شاید مهم‌ترین عامل ایجاد دگرگونی اجتماعی و فرهنگی می‌باشد».^۵ این دوره با عنایت به پدیده‌های اجتماعی نامناسب، از قبیل دلزدگی از زندگی، کم‌رنگ شدن روابط اجتماعی، معضلات شهری، فقر و نابسامانی اجتماعی، سبب روی آوردن شعرا به مسایل عرفانی و مذهبی برای امید بخشیدن جامعه می‌گردد.

۱-۲. ضرورت تحقیق

جهان غرب با محوریت صهیونیست‌ها برای شناخت، نقد و تحلیل اندیشه‌های اسلامی، به منظور ضربه زدن به برگزاری گردهمایی‌های مختلف اقدام می‌کند و از صرف هزینه در این زمینه ابایی ندارد.

۱. میرافضلی، در آستانه تازه شدن...، ص ۱۵.

۲. وحدت، رویارویی فکری با مدرنیته، ص ۲۶۴.

۳. بیکی، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۰۱.

۴. گیدنزمن، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۱۳.

۵. کوئن، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ص ۴۵.

در دسامبر ۱۹۸۶ در دانشکده تاریخ دانشگاه تل آویو زیر نظر صهیونیسم، کنفرانسی با حضور سیصد شیعه شناس ظرف سه روز، سیصد مقاله مبتنی بر عمده‌ترین متد تحقیقی ارائه شد. به قول مارتین کرامل، شیعه شناس، هدف اصلی شناخت مفاهیم محوری در تمدن شیعه اثنا عشری و انقلاب اسلامی بود.^۱

معاندان اسلام، در پی انجام تحقیقات متعدد به برنامه‌ریزی برای انحراف مسلمین، خصوصاً تشیع از باورها و سنت‌های اصیل اقدام می‌کنند. از مهم‌ترین ابزارهای که به خدمت گرفتند، ابزار رسانه بود. ارتباط رسانه‌ها با مخاطب، نوعی دیکتاتوری مطلق است؛^۲ یعنی آنچه را مایل است، دیکته می‌کند و ذهن مخاطب را همسو با اهداف خود پیش می‌برد. رادیو، تلویزیون، سینما و جراید و ... از جمله ابزار آن‌هاست. در این میان، هالیوود با بنیانگذاری نظریه پردازان صهیونیستی، «در سال، هفتصد فیلم تولید می‌کند و سالانه ۱۶ میلیارد دلار سود خالص دارد و نزدیک به ۷۸٪ سینماها و تلویزیون‌های جهان را تغذیه می‌کند.»^۳ اساساً جریان مسیحی - صهیونیستی موجود در آمریکا بر این دیدگاه استوار است که حمایت از اسرائیل بر اساس دستورهای انجیل است که سرانجام آن به جنگ بزرگ (آرماگدون) و سلطنت هزار ساله منتهی خواهد شد. در این میان، دست‌اندرکاران سینما، به ویژه اهالی هالیوود از این احساس تمایل، بیش‌ترین بهره را برده و در این عرصه پیشگام شده و با ساخت فیلم‌های گوناگون با موضوعات متنوع و جذاب، ابتکار عمل را در دست گرفته‌اند. طبق آمار اعلام شده در فاصله سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵، از ۲۲ فیلم پر فروش جهان، ۱۹ مورد به نحوی به موضوع آخرالزمان پرداخته‌اند.

۱. بلخاری، تهاجم یا تفاوت فرهنگی، ص ۹۳-۹۴.

۲. ر.ک: هوارد سلزام، اخلاق و پیشرفت، ارزش‌های نوین در جهان انقلابی، ص ۴۷؛ احد فرامرز قراملکی، اخلاق حرفه‌ای،

ص ۱۰۳-۱۱۵ و سروش محلاتی، دین و دیکتاتوری، ص ۱۹۳-۱۹۶.

۳. عبدی‌پور، نقش اجتماعی انتظار، ص ۱۳۰.

به طور تقریبی، از سال ۲۰۰۶ به بعد، بیش از ۶۰ درصد محصولات هالیوود در ارتباط با مسئله منجی و آخرالزمان بوده‌اند و در این میان، نکته جالب توجه این است که در حال حاضر، به طور متوسط هر هفته یک برنامه، اعم از سریال، فیلم، مستند و یا کارتون درباره آخرالزمان در دنیا اکران می‌شود.^۱ تلاش مستمر نظریه‌پردازان غربی بر این است که چهره منجی آخرالزمان مسلمین را مخدوش کرده است؛ چرا که از ایران هراسناکند: «نوسترا داموس: از جانب ایران (پریشیا) بیش از یک میلیون پرهیزکار به بیژانس و مصر به سوی شمال هجوم خواهند آورد».^۲

در همین زمینه برای انحراف مسلمین و ایجاد اختلاف، شیعه انگلیسی و اسلام آمریکایی راه انداخته‌اند. نشر اهانت و لعن علنی به مقدسات مذهب اهل تسنن و فحاشی به خلفا و بعضی زنان پیغمبر ﷺ به نام تشیع، تلاش برای ایجاد اختلاف و دودستگی بین افراد هیأتی و عزاداران ائمه اطهار، نشر مطالب علیه حکومت اسلامی و امام خمینی و امام خامنه‌ای و اصل ولایت فقیه، تکفیر و زندیق خواندن علما و عرفا، از جمله آیت الله بهجت و شهید مطهری، حمایت از بعضی از شبکه‌های معاند، مثل شبکه سلام، قمه زنی و پخش کردن آن در رسانه‌ها با عنوان عزاداری حسینی^۳ که باعث وهن در مذهب تشیع شده است، سگ نامیدن عزادار و محب اهل بیت قلاده بستن و پارس کردن توسط این عزاداران در هیأت‌ها و عزاداری‌هایشان؛ از جمله اقدامات این گروه‌ها می‌باشد. این، در حالی است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «شیعه من کسی است که مانند سگ عوعو نمی‌کند و مانند کلاغ طمع نمی‌ورزد».^۴

رباعی از قالب‌های موجر و کوتاه زبان فارسی است و امروزه که میل انسان‌ها به کوتاه و سریع سخن گفتن است؛ نماد مناسبی برای بررسی فضای مذهبی حاکم بر ادبیات فارسی است. در این هجوم و شبیخون بی‌رحمانه جهان استکبار، «شعر و ادبیات» یکی از سپرهای دفاعی است. به نظر می‌رسد

۱. بلخاری، هالیوود و مهدویت، AmpShow، <https://article.tebyan.net>

۲. اعرجی، پیشگویی‌های نوستراداموس، ص ۱۲۹.

۳. شاه کرمی، روزنامه.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۵۰.

ادبیات فارسی در دهه اخیر این حساسیت را درک کرده است و ضمن این‌که قالب رباعی حیات مجدد گرفته، رباعیات آیینی جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است؛ علی‌الخصوص رباعیات عاشورایی و آخرالزمانی جلوه زیبایی سروده‌های دهه اخیر است. لذا با توجه به برنامه‌ریزی و تهاجم فرهنگی غرب برای استحاله مسلمین از ارزش‌های ناب (تکرار تجربه اندلس) ضرورت حساسیت شاعرانی که طلایه داران فرهنگی جامعه محسوب می‌شوند، احساس می‌گردد. به نظر می‌رسد جامعه شعری کشور با نقد درست از نیازهای فرهنگی کشور، به بیان این ضرورت‌ها پرداخته است.

۱-۳. سابقه تحقیق

با بررسی‌های صورت گرفته در خصوص محور تحقیق، مشخص گردید که هیچ کار علمی در مورد ارتباط رباعی و حماسه عاشورا و مسیر انتظار صورت نگرفته است؛ لیکن مقالاتی که گویای ارتباط شعر و ادبیات با این دو حادثه می‌شود، نمونه‌هایی ملاحظه می‌گردند. از نگارنده تا کنون دو مقاله با محور انتظار و شعر منتشر گردیده است که عبارتند از: «تجلی مهدویت و انتظار در شعر وحشی بافقی» و «بازتاب فضای ظهور منجی موعود در عرصه شعر فارسی» که هر دو در نشریه عصر آدینه در شماره‌های ۱۶ و ۱۷ به چاپ رسیده‌اند. همچنین «میلاد حضرت مهدی در اشعار اهل سنت»، به کوشش جعفر خوشنویس، در نشریه انتظار موعود چاپ شده است. در زمینه ارتباط ادبیات فارسی، به ویژه شعر با حادثه عاشورا و کربلا آثاری به یادگار مانده است؛ از جمله «عاشورا در آینه شعر فارسی»، اثر مهدی شادکام اوغانی یا مقالات چند بخشی کربلا و عاشورا در شعر فارسی به کوشش محمد کاظم کاظمی از این دست کارهاست.

۱-۴. مبانی نظری

شعر امتیاز و شاخصه ایرانیان در ادوار مختلف و در جهان است و رباعی اصیل‌ترین قالب شعر فارسی است، که خاستگاه آن را اشعار هجایی پیش از اسلام می‌دانند. رباعی از زمان شکل‌گیری تاکنون دوره‌های پرفراز و نشیبی را پشت سر نهاده است. در این قالب، شاعران به نامی طبع آزمایی کرده‌اند که خیام از مشهورترین آنان است. رباعی سرایان در ادوار مختلف به سرودن

شعر در این قالب پرداخته‌اند که عموماً بر محور مضامین فلسفی دور می‌زند. پس از خیام، رباعی دچار افت و خیزها و نوساناتی در مضامین شد. در دهه هشتاد، تغییرات شگرفی به تبعیت از انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس روی داد که مهم‌ترین آن، بازگشت به مضامین فلسفی خیام و در عین حال شعر شهادت و انتظار است که با دو نماد ذیل ملاحظه می‌شود:

خط سرخ: با اشاراتی که قبل از این گذشت، منظور از «خط سرخ»، راه پیمودن در مسیر آزادی و دوری از ذلت و سرسپردگی در برابر ظالمان و مستکبران است که با محوریت حرکت امام حسین علیه السلام و یارانش در روز عاشورا به عنوان نقطه عطفی در تاریخ مبدل می‌گردد.

خط سبز: «خط سبز» خط امید، نشاط و آرزو خواهی مسلمانان و به طور خاص ایرانیان است که قبل از اسلام نیز در آیین‌های ایرانی سابقه داشته است و بعد از اسلام با دکترین مهدویت و ظهور و قیام منجی آخر الزمان، موج شعف و کمال طلبی جریان پیدا می‌کند.

۲. بازتاب مضامین عاشورایی و مهدوی در رباعی دهه هشتاد

با توجه به فضای حاکم بر جامعه جهانی و سیاست‌های جهان استکبار برای تهاجم به مسلمانان؛ شعرای فارسی به گوشزد کردن عناصر مذهبی و اتخاذ تدابیر مناسب برای مقابله با این تهاجم فرهنگی اقدام کرده‌اند. قبل از ورود به مضامین عاشورایی و مهدوی، به عنوان عناصر تهاجمی و تدافعی مسلمانان در برابر غرب به چند موضوع مشابه که در این دهه رونق پیدا کرد، اشاره می‌کنیم:

- بازگشت به فضای عرفانی

توصیه برای پناه بردن به خدا و استمداد از عشق الهی در این دهه، رونق و افزایش بیش‌تری گرفته است.^۱ دعوت خلایق به بازگشت به عشق الهی و استمداد از درگاه حق، از این دست توصیه‌هاست:

برخیز که راه رفته را برگردیم	با عشق به آغوش خدا برگردیم
در عرش صدای «ارجعی»	یا ایتها النفس بیا برگردیم ^۲
پیچیده است	

۱. جمشیدیگی، سیر رباعی دهه هشتاد...، ص ۴۰.

۲. توکلی، م عرفان پور، پاییز بهاریست که عاشق شده است، ص ۱۰۷.

- استمداد از شهدا

با وجود این که جامعه ایران از فضای جنگ و شهادت فاصله گرفته است؛ یاد شهدا و ذکر خاطرات آن‌ها و آرزوی شهادت می‌تواند به احیای آن فضا کمک کند:

جانم به فدای مرگ بی همتایت تو هستی و نیست خالی از تو جایت
ای کاش مرا در آتشت می‌دیدي ای کاش به مرگ می‌شدم همپایت^۱

بعضاً دیده می‌شود که در رباعی، کسانی که نه تنها در مسیر جنگ و شهادت گام بر نداشته‌اند، بلکه رشادت‌های شهدا را دست آویز رسیدن به اهداف شخصی قرار داده‌اند؛ مورد انتقاد شعرا واقع گردیده‌اند. از همین قبیل هستند کسانی که در جنگ استوار و ثابت قدم نبودند:

دیدیم همه متانتش را در جنگ ثابت کرد دیانتش را در جنگ
هی سنگ مزار شهدا را می‌شست تا پاک کند خیانتش را در جنگ^۲

۲-۱. عاشورا باوری

در اوضاع و احوال هجوم فرهنگی غرب به جهان اسلام، توسل به باورهای اصیل، از جمله پناه بردن به روحیه شهادت طلبی عاشورا است.

شعر شهادت نوعی از مرثیه به شمار می‌رود. این گونه شعر در شهادت امام حسین (علیه السلام) و یاران شریف اوست. در شعر شهادت وقایع تاریخی مطرح نیست، بلکه فرض بر این است که خواننده از قبل با موضوع آشناست. بنابراین، شاعر مستقیماً سراغ موضوع اصلی می‌رود؛ یعنی وقایع حزن انگیز عاشورا شعر شهادت، برخاسته از احساس و عواطف درونی شاعر است؛ به گونه‌ای که شاعر هیچ گونه چشم داشتی به پاداش یا صله ندارد. شاید این شعر را شعر احساس و حقیقت بنامیم.^۳

۱. یخاقاه، ص ۳۹.

۲. صادقی زربینی، ضد انتزار، ص ۹۲.

۳. آذر، شکوه عشق تاریخ شعر عاشورا، ص ۲۶.

یادکرد حادثه عاشورا و ایثارگری یارانی که دنیا برای آن‌ها بی‌ارزش شده است و برای پاسداری از حریم آزادگی و پرهیز از ذلت به استقبال مرگ می‌روند؛ در شعر حریت است. در شعر فارسی در دهه هشتاد، با توجه به تحولات روی داده، از جمله انقلاب، جنگ، بیداری اسلامی، تلاش غرب برای تفرقه افکنی و انحراف مسلمین؛ با صبغه جدید این درونمایه در شعر خصوصاً رباعی رو به رو می‌گردیم.

۱-۲-۱. حسین علیه السلام سمبل فروزان کربلا

محور و کانون اصلی حادثه کربلا، رفتار و گفتار امام حسین علیه السلام است که زوایای مختلف آن مورد توجه رباعی سرایان واقع شده است:

«واللیل»، قسم به روز ناگاه تو بود	«والصبح»، قسم به شام جانکاه تو بود
هفتاد و دو تکه شد تن آینه‌ات	«والشمس»، قسم به صورت ماه تو بود ^۱
یک حادثه کربلا... سفر... نیزه... حسین	در... کوره... آفتاب... سر... نیزه... حسین
خورشید فرو رفت در اعماق زمین	وقتی که طلوع کرد بر نیزه حسین ^۲

لحظه شهادت حضرت از صحنه‌های دلخراشی است که رباعی سرایان از آن غفلت نکرده‌اند:

افتاد به خاک، آسمان غمگین شد	تن پوش بی آستین به خون آذین شد
هر قطره خون تو، سپیداری سرخ	هر برگ شیبه پنجه‌ای خونین شد ^۳

۱-۲-۲. ترجیع مرگ بر حیات

درسی که از حرکت امام علیه السلام به انسان‌ها داده می‌شود، استقبال از مرگ در برابر زندگی توأم با ذلت است:

مردانه به قلب آن همه تیر زدی	با زخم، چه طعن‌ها به شمشیر زدی
بر هرچه که هست، در نماز آخر	یک مرتبه هفتاد و دو تکبیر زدی ^۴

۱. صفریگی، انجیل و سپیده بارون، ص ۵۰

۲. عرفان پور، پاییز بهار نیست که عاشق شده است، ص ۵۹

۳. ارژن، رنگ انار، ص ۶۵.

۴. صفریگی، انجیل و سپیده بارون، ص ۵۱.

این همان شجاعتی است که در کلام نویسندگانی از قبیل ابن ابی الحدید، عقاد، شبرای، توماس کارلایل و واشنگتن ایرونیک، بیان گردید.^۱
و همان مرگی است که تمام کاینات به آن افتخار می‌کند:

افتاد در آغوش زمین سرو تنت پیچید میان دشت عطر بدنت
تسبیح تو را ماه به گردن انداخت سجاده آفتاب شد پیرهن^۲
به تبع آزادگی^{سرخ} امام شهید، شاعران، پیروان را به تاسی از شهادت ایشان ترغیب می‌کنند:

دنیا چو وفا نمی‌کند دین مفروش یعنی که شرف به مزد ننگین مفروش
شرمت بادا سر حسین بن علی است خورشید به سکه سفالین مفروش^۳
«عزت» پیامی است که سید الشهدا^{سرخ} با شهادتش آن را حفظ و برای آیندگان به یادگار گذاشت.
«لحظه لحظه حرکت امام درس عزت و آزادگی و نهی از ذلت پذیری است...»^۴

۱-۲-۳. عشق ورزی با سرزمین کربلا

دیدار سرزمین امام شهید، از آرزوهایی که رباعی سرایان در سروده‌هایشان به آن بارها اشاره کرده‌اند:

رفتیم به شوق ناکجایی که تویی رفتیم تو را به هر بهایی که تویی
خفتیم چو برگ سبز بر آب روان امید به خاک کربلایی که تویی^۵
شور ناشی از این ارادت مسلمانان در نوحه^{سرخ} خوانی و مراسم عاشورا نهفته است:

ابر و مه و خورشید و فلک دریا به خروش آمده طوفان است
باگ^{سرخ} و گداز نوحه می‌خواند^{سرخ} زنجیر زن دسته ما باران است^۶
سرخ

۱. جمعی از نویسندگان، نینوا و انتظار، ص ۱۸۲-۱۹۰.

۲. صفریگی، انجیل و سپیده بارون، ص ۵۴.

۳. ارژن، رنگ انار، ص ۶۹.

۴. جمعی از نویسندگان، نینوا و انتظار، ص ۱۸۲-۱۹۰.

۵. توکلی، میخانقاه، ص ۵۵.

۶. صفریگی، انجیل و سپیده بارون، ص ۶۴.

۱-۲-۴. ابوالفضل

قهرمان و پرچمدار حادثه کربلا حضرت عباس است که به عنوان الگوی جوانمردی و ایثارگری طرح می‌شود:

این جا فانی است در آن جا باقی است هر جا باشد او همه‌اش مشتاقی است
رفت آب بیاورد نشد اما بعد این جا سقا بود در آن جا ساقی است^۱

تناسب عباس و فرات بنا به حوادثی که در کربلا مشهور است و ایثارگری حضرت در برابر آب در رباعیات جلوه‌گری می‌کند:

دستان بریده، نعش بی سر، دجله تنها و غریب و بی برادر، دجله
یک سوی حسین و سوی دیگر عباس یک چشم فرات و چشم دیگر دجله^۲

سرخ
شاعر با «حسن تعلیل»، زاویه ورود به حادثه کربلا و جانبازی عباس را فراهم می‌کند:

ای لاله تو از سلاله عباسی خون نامه‌ای از رساله عباسی
بر کتف بدون دست او سبز شدی ز آن نام تو گشت لاله عباسی^۳

سرخ

۱-۲-۵. زینب

بانوی شجاع، سربلند و پرشکوه حادثه کربلا حضرت زینب است که در رباعیات به نقش موثرش اشاره شده است. لحظه اسارت این بانو دردناک و غم‌افزاست:

در وسعت شب سپیده‌ای آه کشید خورشید به خون تپیده‌ای آه کشید
آن لحظه که زینب به اسارت می‌رفت بر نیزه سر بریده‌ای آه کشید^۴

سرخ
سایه حمایتش در دوره حیاتش بر سرهمگان گسترده است:

۱. توکلی، میخانقاه، ص ۵۹.

۲. صفریگی، انجیل و سپیده بارون، ص ۴۶.

۳. ارژن، رنگ انار، ص ۶۷.

۴. عرفان پور، پاییز بهاریست که عاشق شده است، ص ۶۳.

هم یاور و خواهر برادرهایش هم بود برادر برادرهایش
یک عمر برای پدرش مادر بود حالا شده مادر برادرهایش^۱

۱-۲-۶. علی اکبر

به رغم الگو بودن علی اکبر در جهات مختلف، شاعر بر شباهت فراوان ایشان به پیامبر اسلام اشاره می‌کند؛ آن هم با زاویه دید بسیار زیبا و «حسن تعلیل» بی نظیر:

بین تو و او عشق فقط نصف شده چون موی به موی و خط به خط نصف شده
شق القمری که کرده بودی این است این ماه که با تو از وسط نصف شده^۲

۱-۲-۷. حضرت رقیه

کودکی که از عشق پدر و تشنگی توامان در آتش است:

بنویس که با شتاب باید برسد فوراً ببرش جواب باید برسد
لب‌های رقیه از عطش خشک شده این نامه به دست آب باید برسد^۳

۱-۲-۸. علی اصغر

قتل کودک و شیرخوار در هر آیینی مورد مذمت است و عاملانش بویی از انسانیت نبرده‌اند و لذا شهادت علی اصغر شیر خوار از تیررس دید رباعی سرایان دور نمانده است:

هی زخم زبان نزن که شوری دارم شش ماه تمام درد دوری دارم
بر دست پدر چقدر باشم ای تیر من نیز برای خود غروری دارم^۴

نوع شهادت این طفل شیر خوار مکتب آموزنده برای آیندگان است:

۱. صفریگی، انجیل و سپیده بارون، ص ۴۱.

۲. همان، ص ۵۳.

۳. همان، ص ۴۱.

۴. مختار نژاد، شاید قفس پلنگ‌ها باز باشد، ص ۵۷.

هر چند کلاس درس او یک واحه است راهی که به آن جا نرسد بی راهه است
پیران همه طفل مکتب او هستند این پیر طریقتی که خود شش ماهه است^۱

۲-۲. مسیر انتظار

شعر انتظار، مانند دیگر مفاهیم آیینی، بعد از انقلاب اسلامی حیاتی دوباره یافت. باورهای دینی جامعه، جهانی بودن مفهوم انتظار، محدود نبودن به زمان و مکانی خاص، آرمان پذیری و عدالت مداری و تعاریف خاص شیعه از این مفهوم، معضلات گوناگون جهانی و اوضاع نابرابر زیست انسانی؛ باعث شده است که این موضوع، یکی از پرکاربردترین گونه‌های آیینی شعر معاصر باشد. در این میان، رباعی با توجه به سابقه‌اش در شعر آیینی و اقبالی که در دوران معاصر از سوی خوانندگان و شاعران به این قالب شده است و در عین حال، هجوم فرهنگی غرب به باورهای مسلمانان؛ با اقبال خاص رو به رو شده است.

۲-۲-۱. راز و نیاز با حضرت

از دیدگاه منتظران واقعی، او پدری است که فرزندانش چشم به دیدارش دارند:

ای اصل امید! بیم‌ها را دریاب	بابای همه! یتیم‌ها را دریاب
هرچند خدا خودش کریم است اما	لطفی کن و یاکریم‌ها را دریاب ^۲

۲-۲-۲. شوق دیدار

با نگرش به رباعیات معاصر، شوق واقعی و دلتنگی را از طول غیبت در کلام شاعران می‌توان ملاحظه کرد؛ حتی به صورت کلی به زمان برگشت حضرت در رباعیات اشاره شده است:

شب رفته یا سپیده برمی‌گردد	خورشید داغ دیده بر می‌گردد
تومار هزار شنبه را پیچیده	در جمعه برگزیده بر می‌گردد ^۳

ضمن آوردن «حسن تعلیل» برای هلالی شدن ماه، انتظار مطلق جهان را نشان می‌دهد:

۱. صفربیگی، انجیل و سپیده بارون، ص ۴۴.

۲. همان، ص ۱۴.

۳. مهدی نژاد، پیاده‌ها، ص ۱۱.

کی می آیی سوار خورشید به دست که ماه به انتظارت از نیمه شکست
گفتند که روز جمعه خواهی آمد این جا هر هفت روز هفته جمعه است^۱

احادیث متعددی از ائمه و معصومان در فضیلت انتظار و لحظه شماری برای دیدار حضرت
وارد شده است. حضرت علی (ع) فرمودند: «المنتظر لأمرنا كالمُشْحَطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ منتظر امر
ما بسان سردار به خون تپیده راه خداست».^۲

امسال بهار بی تو آغاز نشد هی جمعه گذشت و باز اعجاز نشد
کی سین سلام بر لب ت می شکفتد؟ عید آمد و سفره دلم باز نشد^۳
امروز که آیینه جوابش جنگ است در ذهن زمانه عاشقی هم ننگ است
هر کس که نداند تو خودت می دانی آقا به خدا دلم برایت تنگ است^۴

این همان انتظاری است که «افضل الاعمال امتی» و «احب الاعمال، افضل العباده...» بر
شمرده شده است:^۵

هر کس این جا ز عشق نامی دارد بر درگاه شما سلامی دارد
در عشق تو صاحب الزمان، ساعت هم آیین دوازده امامی دارد^۶

۲-۲-۳. تحول طبیعی و سیاسی جهان با آمدن امام

هر چند که در سکوت تکرار شوند بیهوده به روی هم تلنبار شوند
گام تو که در زمین طنین اندازد نت‌های به خواب رفته بیدار شوند^۷

۱. ارژن، رنگ انار، ص ۷۱.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

۳. صفریگی انجیل و سپیده بارون، ص ۱۵.

۴. عرفان پور، پاییز بهار نیست که عاشق شده است، ص ۶۰.

۵. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲ و طاووسی، انتظارات از دیدگاه روایات، ص ۴۹.

۶. ارژن، رنگ انار، ص ۷۱.

۷. صفریگی، انجیل و سپیده بارون، ص ۴۳.

امام حسین می‌فرماید: «نهمین فرزندم کسی است که با آمدنش خداوند زمین را بعد از مردن زمین بیدار می‌کند».

این سنگ خدایان که سپر می‌شکنند روزی که بیایی از کمر می‌شکنند
بردار تبر را و بزن ابراهیم! بت‌های بزرگ زودتر می‌شکنند^۲

مشابه آنچه در دعای ندبه وارد شده است:

أَيْنَ ظَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكُذْبِ [الْكَذِبِ] وَالْأَفْتِرَاءِ أَيْنَ مُبِيدُ
الْعُنَاةِ وَالْمُرْدَةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالْتَّصْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ أَيْنَ مُعَزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُدِلُّ الْأَعْدَاءِ
أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ [الْكَلِمِ] عَلَى التَّقْوَى أَيْنَ بَابِ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى أَيْنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ
يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَ نَاشِرُ رَايَةِ
الْهُدَى أَيْنَ مُؤَلِّفِ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا؛ كجاست محوکننده آثار انحراف و هواهای
نفسانی؟! کجاست قطع کننده دام‌های دروغ و بهتان؟! کجاست نابودکننده سرکشان و
سریچی کنندگان؟! کجاست ریشه‌کن کننده اهل لجاجت و گمراهی، و بی‌دینی؟!
کجاست عزت‌بخش دوستان، و خوارکننده دشمنان؟! کجاست گردآورنده سخن بر پایه
تقوا؟! کجاست در راه خدا که از آن آمده شود؟! کجاست جلوه خدا که دوستان به
سویش روی آورند؟! کجاست آن وسیله پیوند بین زمین و آسمان؟! کجاست صاحب روز
پیروزی، و گسترنده پرچم هدایت؟! کجاست گردآورنده پراکندگی صلاح و رضا!؟

رباعیات پیش گفته، ما را به یاد این حدیث معروف می‌اندازند: «لو لم يبق من الدنيا الا يوم
لطول الله ذلك اليوم حتى يبعث فيه رجل مني او من اهل بيتي يواطى اسمه اسمي يملا الارض قسطاً و
عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً».^۳

۱. فاطمی، امام مهدی علیه السلام در کلام امام حسین، ص ۴.

۲. صفریگی، انجیل و سپیده بارون، ص ۳۵.

۳. ابن عربی، تفسیر القرآن الکریم، ص ۱۱۰۹.

این همان لحظه‌ای است که مؤمنان به شدت چشم در راهند:

طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی
دوباره پلک دلم می‌پرد نشانه چیست شنیده‌ام که می‌آید کسی به مهمانی^۱

۲-۲-۴. رباعی اعتراض

از نکات بدیع در رباعی معاصر، اعتراض به جامعه به سبب نوع انتظارشان است که سبب طولانی شدن ایام غیبت می‌گردد. تأخیر در ظهور حضرت به اوضاع جامعه منتظر بستگی دارد. عدم آمادگی اجتماع برای ظهور حضرت در این دوره، گونه‌ای رباعی اعتراضی به وجود آورده که به انتقاد و اعتراض به جامعه و مردمی می‌پردازد که فقط در شعار منتظرند و کردارشان با گفتارشان همسو نیست. باب پرداختن به این نوع رباعی را اولین بار جلیل صفریگی باز کرد که بعدها مورد استقبال سایر رباعی سرایان قرار گرفت. عباس صادقی زرینی و علیرضا دهرویه از فعال‌ترین رباعی سرایان این حوزه هستند.

علت غیبت، همان علت دوام آن است و این علت با شدت بیش‌تری تا زمان ما ادامه دارد؛ یعنی مردم جهان برای قبول حکومت الهی که عدالت محض را طبق احکام در جهان برقرار می‌کند، آمادگی ندارد و ما این را به تجربه در زمان خود و گذشتگان می‌بینیم.^۲

۲-۲-۵. اعتراض به عدم انتظار

شاعر به رغم مقصد و هدفی که در اسلام برای مسلمانان تعریف شده، از پوچی و سرخوردگی مسلمانان در حیرت است:

۱. امین پور، آوازه‌های عاشقانه ما در گلو شکست، ص ۷۱.

۲. صدر حاج سید جوادی، دایرة المعارف تشیع، ص ۳۷۶.

غیر از صف نان بیا و صف پیدا کن
از این همه پوچی تو هدف پیدا کن
این جا همه کشته مردهات می باشند
یک آدم زنده این طرف پیدا کن^۱
شدت غفلت ما نیز به زیبایی در رباعی ذیل به تصویر کشیده شده است:

هر روز به ما اگر سر هم بزنی... بر ریشه خواب ما تبر هم بزنی...
آقا! تو که خوب می شناسی ما را زنگ در خانه را اگر هم بزنی...^۲
این، همان موردی است که خدا در قرآن می فرماید:

آیا برای کسانی که ایمان آورده اند، هنگام آن نرسیده که دل هایشان به یاد خدا و
آن حقیقتی که نازل شده است، نرم و فروتن گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش
به آن ها کتاب داده شد و زمان [انتظار] بر آنان به درازا کشید، و دل هایشان سخت
گردید و بسیاری از آن ها فاسق بودند؟!^۳

از شنبه درون خود تلنبار شدیم تا آخر پنج شنبه تکرار شدیم
خیر سرمان، منتظر دیداریم جمعه شد و لنگ ظهر بیدار شدیم^۴

پیامبر اسلام ﷺ در مورد اوضاع قبل از ظهور می فرماید: «زمانی بر امت ما خواهد آمد که از
اسلام جز اسم و از کتاب جز خطی باقی نمی ماند»^۵.

دل بستگی به یار را می فهمیم درد دل بی قرار را می فهمیم
یک عمر اسیر صف نانیم آقا ما معنی انتظار را می فهمیم^۶

از همین رو، از تنبلی و غفلت خود و جامعه در رنج است:

۱. صادقی زربنی، ضد انتظار، ص ۴۳.
۲. صفریگی، انجیل و سپیده بارون، ص ۱۷.
۳. حدید: ۱۶.
۴. صفریگی، انجیل و سپیده بارون، ص ۱۸.
۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰.
۶. دهرویه، ص ۱۳۸۷.

ماندیم که امروز بمانیم کجا ما این تن لش را بکشانیم کجا
وقتی که بیایی همه جا تعطیل است اصلاً خودمان را برسانیم کجا

این‌ها همان مواردی است که امام راحل به آن اشاره دارد که منتظران به چند دسته تقسیم می‌شوند: گروهی فقط دعا می‌خوانند و هیچ اقدامی انجام نمی‌دهند؛ گروهی جامعه را به حال خود رها می‌کنند؛ گروهی می‌گویند وقتی امام بیاید، خودش امور را اصلاح می‌کند و گروهی هم می‌گویند باید ظلم فراگیر شود تا به دلیل تراکم ظلم و گناه، امام ظهور کند؛ حتی به ظلم دامن می‌زنند.^۲

۲-۲-۶. اعتراض به غفلت از امام علیه السلام

شاعر، بسیار زیبا به وصف جامعه‌ای می‌پردازد که نه تنها منتظر نیست، بلکه از نیامدن امام نیز شاکر است:

ای آن که بهار باور دهکده‌ای در فکر شکوه باغ آفت زده‌ای
من ترسم از این است که در وقت ظهور یک عده بگویند که زود آمده‌ای^۳

در کلام امیرالمؤمنین تداوم انتظار واقعی و اشتیاق دیدار ملاحظه می‌شود:

برای قائم ما غیبتی است که زمان آن طولانی است ... آگاه باشید کسی که در این دوران بر دینش ثابت قدم بماند و به خاطر طولانی شدن غیبت امامش دچار قساوت قلب نشود؛ پس او در روز قیامت با من خواهد بود.^۴

۱. صادقی زرینی، ضد انتظار، ص ۵۴.

۲. خمینی، صحیفه‌نور، ج ۷، ص ۲۵۵.

۳. دهرویه، ص ۱۳۸۷.

۴. شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۵۲.

۲-۲-۷. انتظار سطحی

منتظران، گاه انتظار را به مباحث فرعی و ظاهر سازی می‌کشاند:

شربت بدهیم و جانشین جمع کنیم فعلاً تو نیا که ما یقین جمع کنیم
یک هفته پس از نیمه شعبان باید لیوان شکسته از زمین جمع کنیم^۱

۲-۲-۸. سوء استفاده از نام امام علیه السلام

متأسفانه گاهی اوقات افرادی دیده می‌شوند که نام و یاد امام را دستاویز اهداف مادی و دنیوی خود قرار می‌دهند:

بانکی زده‌ایم و قلکی ما داریم پا بست شدیم و پستکی ما داریم
با نام شما دکه زدیم آقا جان حالا چه دکان و دستکی ما داریم^۲

۲-۲-۹. انتظار خودخواهانه

گاهی انتظار ما، ناشی از خواسته‌های شخصی و خودخواهی مان است:

نه شرم و حیا نه عار داریم از تو اما گله بی شمار داریم از تو
ما منتظر تو نیستیم آقا جان تنها همه انتظار داریم از تو^۳
هر چند که بیمار تو هستیم همه دیوانه دیدار تو هستیم همه
بین خودمان بماند آقا عمری است انگار طلب کار تو هستیم همه^۴

۲-۲-۱۰. جامعه غافل

شاعر از مردمی که به رغم ادعای اسلام از امام عصر خودشان غافلند، اظهار تأسف می‌کند.

۱. صادقی رزینی، ضد انتظار، ص ۳۲.

۲. همان، ص ۳۴.

۳. صفریگی، انجیل و سپیده بارون، ص ۱۷.

۴. همان، ص ۲۲.

یک عمر تو زخم‌های ما را بستی
 شعبان که به نیمه می رسد، آقا جان
 هر روز کشیدی به سر ما دستی
 این ظهور که در ره است، باید او را...
 ما تازه به یادمان بیاید هستی^۱
 می ترسم اگر سرزده آید، او را...
 از هر که سراغ او گرفتم دیدم
 در شهر کسی نمی شناسد او را^۲

۲-۲-۱۱. پیوند خط سبز به خط سرخ

رباعی سرایان با عنایت به ارتباطی که بین نهضت عاشورا و قیام قائم برقرار است، انعکاس آن را در سروده‌هایشان می‌توان دید. اینان معتقدند در عاشورا قیام قائم تحقق پیدا می‌کند:

درسی که مرور می‌کنی عاشوراست
 هر جا که عبور می‌کنی عاشوراست
 ای وارث زخم‌های هفتاد و دو تن!
 روزی که ظهور می‌کنی عاشوراست^۳
 از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت است که قیام امام زمان علیه السلام در روز عاشورا است:^۴

هم پهلوی فاطمه شکسته است هنوز
 هم دست علی به ظلم بسته است هنوز
 دارند هنوز خیمه‌ها می‌سوزند
 زینب به امید تو نشسته است هنوز^۵
 در حدیثی از امام رضا علیه السلام انتقام از بازماندگان قاتلان حسین علیه السلام بیان گردیده است.^۶ شعار
 فرشتگان کنار مرقد امام حسین علیه السلام تا ظهور امام زمان علیه السلام و نیز شعار امام زمان علیه السلام هنگام
 قیام برای انتقام خون شهدای کربلا و شعار یاوران شهادت طلب امام زمان علیه السلام که آرزوی مرگ
 در راه خدا دارند؛ «یا لثارات الحسین علیه السلام» خواهد بود.^۷

۱. همان، ص ۸.

۲. همان، ص ۲۷.

۳. همان، ص ۳۶.

۴. جمعی از نویسندگان، نینوا و انتظار، ص ۵۷ و فوادیان، از حسین تا مهدی، ص ۴۱.

۵. صفریگی، انجیل و سپیده بارون، ص ۲۷.

۶. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳.

۷. محدثی، در حریم حرم، ص ۴۷۸.

۲-۳. شباهت جامعه اسلامی و کوفیان

رباعی سرایان با مشاهده وضعیت مسلمانان و نوع انتظارشان، یاد کوفیان در نوع انتظارشان در قبال امام حسن علیه السلام می‌افتند و آن را این گونه بیان می‌کنند:

هم چاه سر راه تو باید بکنیم هم این‌که از انتظار تو دم بزنیم
این نامه چندم است که می‌خوانی؟ داریم رکورد کوفه را می‌شکنیم^۱
ظهور^۲ که خسته‌ایم از این حال، نیا شرمنده، اگر ندارد اشکال، نیا
ما خط تمام نامه‌ها مان کوفی است آقای گلم! زبان من لال ... نیا^۳

در حدیثی از حضرت قائم علیه السلام آمده است: «اگر پیروان ما در عهد و پیمانی که با ما بسته‌اند، همه متحد و وفادار باشند، ظهور به تأخیر نمی‌افتد. آنچه باعث تأخیر ما شده است کردار ناشایست آن‌هاست».^۳

۱. صفریگی، انجیل و سپیده بارون، ص ۹.

۲. همان، ص ۱۰.

۳. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۶۰۲.

۳. نتیجه‌گیری

دوران معاصر، بنا به اوضاع اجتماعی دوره کوتاه سخن گفتن است. امروزه با توجه به گستردگی اطلاعات، فراوانی سرگرمی‌ها، جمعیت زیاد، ترافیک بالا و زمان اندک؛ کوتاه و سریع سخن گفتن از اولویت برخوردار است. در خصوص شعر نیز قالب‌هایی مورد نظر قرار می‌گیرند که از این ویژگی بهره‌مند باشند. قالب رباعی از این دست قالب‌هاست. با توجه به رویکردی که بعد از موفقیت‌های شاخه پروتستان مسیحیان در انگلیس و آمریکا نسبت به یهودیان به وجود آمد (که تشکیل جبهه صهیونیست مسیحی حاصل آن است) با مباحث شدید آخرالزمانی رو به رو می‌گردیم. نکته‌ی حائز اهمیت این است که از دیدگاه این جماعت ضد مسیح، مسلمانان هستند که در واقع ضد منجی آخرالزمان هستند. لذا به شدت در رسانه‌ها به تخریب و تضعیف مظاهر مذهبی و فرهنگی مسلمانان در باب ظهور پرداخته‌اند. ایرانیان همچون همیشه به مقابله با این شیخون فرهنگی پرداخته از اهرم‌های موجود برای مقابله با شیخون مذکور و تقویت باورها استفاده و شعرا در این زمینه به اشاعه فرهنگ اسلامی اقدام کرده‌اند. رباعی با توجه به ایجاز کلام از بستر مناسب برای این منظور برخوردار است. با بررسی رباعی‌های دهه هشتاد ادبیات فارسی متوجه می‌گردیم که قالب رباعی، هم از جهت کمیت شعر و شاعران و هم از جهت کیفیت رباعی، خصوصاً با رویکرد مذهبی نسبت به دهه‌های قبل دارای وضعیت مناسب‌تری است. در بین مضامین رباعی، با مضامین عاشورایی و آخرالزمانی روبه‌رو می‌شویم که از لحاظ حجم سروده‌ها قابل توجه است. این دسته رباعیات، به شدت به الگو سازی و نماد سازی از صحنه کربلا و قهرمانان این مصیبت بزرگ پرداخته و همچنین به بیان جهان آیند و لذت ظهور حضرت قائم اقدام کرده‌اند؛ با این تفاوت که نگاه منتظر شاعر، عاطفی و عاشقانه است. در عین حال، دو گونه رباعی در مضامین مذکور دیده می‌شوند که شایان توجه است: یک نوع رباعی اعتراض را شاهدیم که شاعران به انتقاد از مردم روزگار خودشان پرداخته‌اند و نگاهی که نسبت به منجی دارند، پرداخته‌اند. نوع دوم رباعیاتی که بین نهضت عاشورا (خط سرخ) و ظهور قائم (خط سبز) پیوند برقرار می‌کنند.

منابع

۱. ابن عربی، محیی الدین، تفسیر القرآن الکریم، محقق: مصطفی غالب، برگرفته از کتابخانه مجازی، ۱۴۲۲ق.
۲. آذر، امیر اسماعیل، شکوه عشق تاریخ شعر عاشورا، سخن، تهران، ۱۳۸۸.
۳. احمدی بیرجندی، احمد، انسان دوستی در اسلام، کلک، شماره ۸، ۱۳۶۹.
۴. ارژن، بیژن، رنگ انار، مهر تابان، تهران، ۱۳۸۲.
۵. امین پور، قیصر، آوازه‌های عاشقانه ما در گلو شکست، نیماژ، تهران، ۱۳۹۲.
۶. اعرجی، شرف الدین، پیشگویی‌های نوسترادموس، مترجم: یوسف عزیزی، نشرهاد، تهران، ۱۳۸۶.
۷. بلخاری، حسن، تهاجم یا تفاوت فرهنگی، انتشارات افوا، تهران، ۱۳۷۰.
۸. بیکی، مهدی، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۸۹.
۹. توکلی، زهیر، میخانقاه، سوره مهر، تهران، ۱۳۸۸.
۱۰. جمشید بیگی، رعنا، سیر رباعی دهه هشتاد ایران با تکیه بر آثار جلیل صفر بیگی و بیژن ارژن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۱.
۱۱. جمعی از نویسندگان، نینوا و انتظار، گنج معرفت، قم، ۱۳۸۷.
۱۲. سروش محلاتی، محمد، دین و دیکتاتوری، مجله دندانپزشکی جامعه اسلامی دندانپزشکان، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴.
۱۳. سلزام، هوارد، اخلاق و پیشرفت، ارزش‌های نوین در جهان انقلابی، مترجم: مجید مددی، ثالث، تهران، ۱۳۸۷.
۱۴. صادقی زرینی، عباس، ضد انتظار، شاملو، مشهد، ۱۳۵۶.
۱۵. خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، بی تا.
۱۶. صدر حاج سید جوادی، احمد، دایرة المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، ۱۳۸۴.
۱۷. صفر بیگی، جلال، انجلیل، و، سپیده بارون، مشهد، ۱۳۸۹.
۱۸. طاووسی، سکینه، انتظارات از دیدگاه روایات، انتشارات مسجد مقدس جمکران، تهران، ۱۳۸۶.
۱۹. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مترجم: جعفری، اسلامیه، تهران، ۱۳۸۱.

۲۰. عبدی پور، حسن، نقش اجتماعی انتظار، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷
۲۱. عرفان پور، میلاد، پاییز بهاریست که عاشق شده است، سپیده باران، مشهد، ۱۳۸۶.
۲۲. فاطمی، محمد، امام مهدی علیه السلام در کلام امام حسین علیه السلام، موعود، شماره ۲، ۱۳۷۶.
۲۳. فرامرزی قراملکی، احد، اخلاق حرفه‌ای، مجنون، تهران، ۱۳۸۲.
۲۴. فوادیان، از حسین تا مهدی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام، قم، ۱۳۸۷.
۲۵. کوئن، بروس، درآمدی بر جامعه شناسی، مترجم: محسن ثلاثی، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۰.
۲۶. گیدنز، آنتونی، مبانی جامعه شناسی، مترجم: منوچهر صبوری، نی، تهران، ۱۳۸۷.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، انتشارات الوفا، بیروت، ۱۳۰۴.
۲۸. محدثی، جواد، در حریم حرم، مشعر، تهران، ۱۳۷۵.
۲۹. مختار نژاد، محمد رضا، شاید قفس پلنگ‌ها باز باشد، ثالث، تهران، ۱۳۸۸.
۳۰. مهدی نژاد، امید، پیاده‌ها، سوره مهر، تهران، ۱۳۸۸.
۳۱. میانجی، مجتبی گودرزی، انتظار، شباب الجنه، تهران، ۱۳۸۵.
۳۲. میرافضلی، صید علی، در آستانه تازه شدن صد رباعی امروز، سپیده باوران، مشهد، ۱۳۹۱.
۳۳. وحدت، فرزین، رویارویی فکری با مدرنیت، مترجم: مهدی حقیقت خواه، فقنوس، تهران، ۱۳۸۲.
۳۴. یعلون، موشه (۱۳۹۵ یا ۲۰۱۶) لس آنجلس تایمز،
- <http://www.latimes.com/opinion/oped/laoeyaaloniranthreat20160929snapstory.html>
۳۵. هالیوود و مهدویت، <https://article.tebyan.net> > AmpShow